

دکتر کنوت هایم، امثال، درس ۱۸

امثال ۳۰: ۱۵-۱۶ و ۱۸-۲۰

کنوت هایم و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنوت هایم در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۸، امثال فصل ۳۰. آیات ۱۵ تا ۱۶ و ۱۸ تا ۲۰ است.

به درس هجدهم در مورد کتاب مقدس امثال خوش آمدید.

ما در سخنرانی قبلی به ترتیب دعای آغازین فصل ۲۹ کتاب آگور پرداختیم. در این سخنرانی نسبتاً کوتاه اکنون می‌خواهم به دو ترتیب خاص از آیات در ادامه‌ی تأملات آگور بپردازم. ما وقت نداریم که به همه اینها بپردازیم، اما می‌خواهم دو نکته را برجسته کنم.

یکی اینکه، خب در واقع نه، فقط یک چیز، می‌خواهم یک نکته را در رابطه با دو مثال برجسته کنم. به اعتقاد من بخش عمده‌ای از آنچه گروه‌های مختلف ابیات در ادامه‌ی فصل سعی در نشان دادن آن دارند مربوط به فروتنی یا تواضع در راستای آموزه‌ی کلیدی است که آگور در دعای خود منعکس کرده است. دو بخشی که می‌خواهم در میان بسیاری از انواع بسیار زنده، بسیار سرزنده و جذاب دیگر از توالی‌های شاعرانه‌ی برانگیزاننده، به آنها بپردازم، ابیات ۱۵ تا ۱۶ هستند.

این یکی خیلی زیباست. زالو نوعی حیوان کوچک خونخوار است. زالو دو دختر دارد.

سه چیز هرگز سیر نمی‌شوند، چهار چیز هرگز به اندازه کافی نیستند.

شیل، رحم نازا، زمین همیشه تشنه آب، و آتشی که هرگز به اندازه کافی نمی‌گوید. بنابراین، زبان اینجا بسیار خاطره‌انگیز، بسیار زنده و جذاب است. با طعنه و کنایه گزنده، مضحک بودن جاه‌طلبی خودخواهانه را در تقابل با توکل فروتنانه به خدا بررسی می‌کند.

می‌خواهم، می‌خواهم، می‌خواهم. بیشتر، بیشتر، بیشتر. و سپس این سکانس از چیزی که نویسنده با طعنه و طنز به عنوان چیزهایی توصیف می‌کند که هرگز سیر نمی‌شوند.

و البته، همه آنها در نهایت استعاره‌هایی برای انسان‌ها و حرص و طمع سیری‌ناپذیرشان هستند. آنها هرگز به اندازه کافی حرف نمی‌زنند. این دقیقاً همان مشکلی است که، همانطور که در سخنرانی قبلی استدلال کردم، خود آگور نیز با آن دست و پنجه نرم می‌کرد.

و خدا او را به دعایی رسانده بود که در آن گفته بود، کمکم کن تا به اندازه کافی راضی باشم و نه حتی بیشتر از آن. او برای توانایی گفتن «آره، همین کافیه» دعا کرده بود. و حالا اینجا دقیقاً به همین موضوع به شیوه‌ای خنده‌دار، طنزآمیز، طعنه‌آمیز و تحریک‌آمیز پرداخته می‌شود که باعث می‌شود مردم فکر کنند بخوانند آگور را در توکلش به خدا شاد کنند.

این اولی است. دومی، به نظرم، حتی خنده‌دارتر است. این از آیات ۱۸ تا ۲۰ است.

و با سلسله‌ای از چیزها شروع می‌شود که آگور آنها را غیرقابل درک می‌داند. بفرمایید. سه چیز برای من زیادی شگفت‌انگیز است.

چهار مورد را نمی‌فهمم. راه عقاب در آسمان، راه مار بر صخره، راه کشتی در دریاهاى آزاد، و راه مرد با دختر. و سپس آیه بعدی می‌گوید، این راه زن زناکار است.

او غذا می‌خورد و دهانش را پاک می‌کند و می‌گوید، من هیچ کار اشتباهی نکرده‌ام. حالا اینجا چه اتفاقی دارد، می‌افتد؟ در واقع درک کنایه‌گزنده این آیه برای ارتباط دادن آیه ۲۰ با آیات ۱۸ و ۱۹ کاملاً حیاتی است کاری که همه انجام نمی‌دهند. اما جملات مبهم اولیه، اینکه عقاب در آسمان چگونه حرکت می‌کند، مار روی صخره، کشتی روی دریا، مردی با دختر، چه وجه مشترکی بین آنها وجود دارد که اینقدر غیرقابل درک است؟ خب، بیش از حد شگفت‌انگیز است که بتوان آنها را فهمید.

خب، گزینه‌های مختلفی وجود دارد، اما مورد ترجیحی من این است. و برای اختصار، به بقیه موارد نمی‌پردازم. اما وجه مشترک همه آنها، که درک آن را بسیار دشوار می‌کند، این است که وقتی عقاب را در حال پرواز در آسمان می‌بینید، منظره‌ای باشکوه و تماشایی است.

اما وقتی عقاب دور می‌شود، هیچ اثری از مسیر عقاب باقی نمی‌ماند. مار روی صخره، پنهان‌کاری مهیب. وقتی حمله می‌کند، کشنده است.

اما تا وقتی که خیلی دیر نشده او را نمی‌بینید. و بعد از اینکه رفته، هیچ ردی از خود به جا نگذاشته است. به همین دلیل است که او بسیار خطرناک است.

و بعد کشتی در دریاهاى آزاد، دوباره، وقتی کشتی برای اولین بار راه خود را از میان امواج باز می‌کند، توجه کنید که چطور این را بیان می‌کنم، امواج را می‌بینید، نمی‌دانم در اصطلاح حرفه‌ای به آنها چه می‌گویند، اما اغلب بسیار قدرتمند هستند. با این حال، دو یا سه دقیقه بعد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند. انگار کشتی هرگز آنجا نبوده است.

اقیانوس هیچ اثری از کاری که کشتی انجام داده است، نشان نمی‌دهد. که ما را به مسیر مردی با یک دختر نیست، بلکه معمولاً، و این چیزی B به A می‌رساند. حال، مسیر یک مرد با یک دختر، پیشرفت از نقطه است که اینجا برجسته می‌شود، پیشرفتی از بیرون به درون و دوباره به بیرون، می‌دانید که در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم.

این در مورد رابطه جنسی است. و باز هم، این یک روش طعنه‌آمیز، خنده‌دار و جذاب برای اشاره به این واقعیت است که پس از وقوع رابطه جنسی، آن دو لباس می‌پوشند و هیچ‌کس نمی‌داند. و بنابراین، البته دختر باردار می‌شود، یا زن باردار می‌شود.

اما در شرایط وسوسه جنسی، به راحتی می‌توان به خاطر این واقعیت که بسیار وسوسه‌انگیز، بسیار مطلوب بسیار جذاب و هر چیز دیگری است، در دام آن افتاد. اما همچنین، می‌توان به راحتی دچار این توهم شد که کسی ما را لو نخواهد داد، هیچ‌کس نخواهد فهمید. من نمی‌گویم که رابطه جنسی اشکالی دارد، اما برداشت از نحوه برخورد یک مرد با یک دختر این است که این احتمالاً نوعی رابطه جنسی نامشروع است، و این چیزی است که من در حال حاضر در مورد آن بحث می‌کنم، بین یک زن متاهل و یک مرد.

بنابراین، دختر اینجا یک زن شوهردار است، و این همان چیزی است که در آیه ۲۰ به آن اشاره شده است. این روش یک زن زناکار است. او می‌خورد.

آنچه او اینجا می‌خورد، البته، باز هم بیانی شاعرانه برای عمل جنسی است. و سپس دهانش را پاک می‌کند. باز هم، وقتی دهانش به تصویر چیزهایی که بیش از حد شگفت‌انگیزند و قابل درک نیستند، پاک می‌شود. نمی‌توان دید که او تازه خورده شده است.

و سپس او می‌گوید، من هیچ کار اشتباهی نکرده‌ام. و توالی این آیات نشان می‌دهد که اگر مردم چنین کاری انجام دهند، اتفاقاً یکی از چیزهایی که دائماً در طول فصل‌های آغازین کتاب امثال در مورد آن هشدار داده می‌شود، در مورد وفاداری زناشویی است. این اشاره به زن غریبه است.

این زن به خاطر خارجی بودنش عجیب نیست. این زن به خاطر ازدواج با مرد دیگری عجیب است. و بنابراین، به اعتقاد من، آنچه این بخش از امثال در مورد آن صحبت می‌کند، حیا و عفت جنسی است.

حتی اگر فکر می‌کنی کسی تو را بازخواست نخواهد کرد، کار درست را انجام بده. اگر می‌خواهی زندگی جنسی رضایت‌بخشی داشته باشی، به روش خودت، دروغ، فریب و دروغ‌گویی، که آگور از خدا می‌خواست از آنها دوری کند، تکیه نکن. بلکه از خدا شریک زندگی مناسب، مرد مناسب و زن مناسب را در زندگی‌ات بخواه.

خب، این هم از این. به پایان این سخنرانی کوتاه رسیدیم. متشکرم.

این دکتر کنوت هایم در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۸، امثال فصل ۳۰. آیات ۱۵ تا ۱۶ و ۱۸ تا ۲۰ است.